هُوَ
۱۲۱

۱۹۷

سلسله درسهای عرفانی

گزیده‌هایی از بیانات حضرت آقای حاج دکتر نورعلی تابنده (مجذوب علیشاه)

درباره‌ی **دعا**

بِسْمِ اللهِ الرَّحْمنِ الرَّحیم.

دعا لغتاً به معنی خواندن، صدا زدن است. این در لغت اینطور بوده. کمااینکه مثلاً در قرآن می‌فرماید که خواندن رسول، پیغمبر مثل سایرین نیست که سایرین را صدا می‌زدید مثلاً طبق عرف محل، عمرو یا زید را از راه دور هم صدا می‌زنید. دستور می‌فرماید که نسبت به پیغمبر، خواندن اینطور نیست.

بعد در عرف شرعی، دعا عبارت از آن است که از خداوند چیزی بخواهیم، درخواست کنیم و بطور اعمّ آن است که یک فرد پایین‌دست، فرودست از زبردست، فرادست چیزی یا درخواستی بکند که این معلوم است بشر در مقابل خداوند، مخلوق در مقابل خداوند کوچک است.

در قرآن فراوان از دعا اسم برده شده و حتّی دعا را در ردیف بهترین عبادات قرار داده‌اند. برای چه؟ برای اینکه دعا اظهار عجز و اظهار نیاز است. آیه‌ی قرآن می‌گوید: أَنْتُمُ الْفُقَراءُ إِلَى اللهِ وَاللهُ هُوَ الْغَنِيُّ الْحَميد (سوره فاطر، آیه ۱۵)، شماها در مقابل خداوند فقیر هستید، خداوند غنی است و همه چیز را دارد. اعلام اعتقاد به این مطلب است. اعلام عجز کامل خودش است. به این جهت بعضی‌ها فرموده‌اند در اخبار هم هست که به‌قول مشهور، حتّی نخود و لوبیای منزلتان را از خدا بخواهید که در عبارت قرآن دارد که نمک منزل را، چون نمک مثل اینکه ساده‌ترین نیاز منزل بوده، از خداوند بخواهید.

البتّه خداوند گاهی بدون دعا، بدون درخواست چیزی، لطف می‌کند. در مورد بشر بطور کلّی فرموده است که: وَآتاكُمْ مِنْ كُلِّ ما سَأَلْتُمُوه (سوره ابراهیم، آیه ۳۴) هر چه خواستید به شما دادیم، هر چه سؤال کردید. این با آنچه ما می‌بینیم ظاهراً منافات دارد. ما خیلی چیزها از خدا خواستیم خدا نداده ولی این آیه را اینطور تفسیر می‌کنند که آنچه لازمه‌ی وجود شماست به شما دادیم، برای اینکه ادامه‌ی حیات بدهید نیاز به آب دارید، آب فراوان به شما دادیم، نیاز به غذا دارید، زمین را در اختیارتان گذاشتیم. نیاز به هوا دارید، هوا را در اختیارتان فراوان گذاشتیم. نیاز به مربی و هادی دارید در هر زمان برای شما رهبر و هادی فرستادیم. إِنَّما أَنْتَ مُنْذِرٌ وَلِكُلِّ قَوْمٍ هادٍ (سوره رعد، آیه ۷) خطاب به پیغمبر خداوند می‌فرماید. به‌نظر می‌رسد بعد از ناراحتی‌های پیغمبر از اینکه هدایت نمی‌شدند، فرمود تو انذار بکن، هر قومی هادی خودش را دارد؛ لِكُلِّ قَوْمٍ هادٍ. این یک جاست که خداوند بدون دعا آفریده، این کمال لطف و محبّت خداوند است. برای اینکه وقتی مخلوقی آفرید باید احتیاجات او را در دسترس او بگذارد. در طریق زندگی معمولی، وقتی خادمی دارید، مستخدمی دارید که باید به شهرستان‌ها برود، باید این‌طرف، آن‌طرف برود کاری بکند، وسایل راحتی و سفرش را در اختیارش می‌گذارید. می‌فرماید: مِنْها خَلَقْناكُمْ (سوره طه، آیه ۵۵) خداوند هم ما را خلق کرده و در این سفری که

داریم فرستاده و دوباره پیش خودش برمی‌گردیم. وَفیها نُعیدُکم (سوره طه، آیه ۵۵)، برای این سفر، زاد و توشه در اختیار ما گذاشته. انبار رحمت خداوند پر است. از این انبار بردارید. اگر هدایت برداشتید نجات پیدا کردید، اگر غیر هدایت برداشتید، نه!

این اجابت خاص جزء همان لطفی است که خداوند بر مخلوق خودش کرده است. در نوع همین یا بلکه اندکی متفاوت، خواسته‌هایی است که پیغمبران، اولیاءالله که خداوند به آنها مأموریتی داده، لوازم آن مأموریت را در اختیارشان گذاشته است. البتّه این هم بستگی به درجه و مرتبه‌ی آن شخص دارد. موسی علیه‌السلام برای رواج کارش عرض کرد خداوندا: قالَ رَبِّ اشْرَحْ لی صَدْری وَیَسِّرْ لی أَمْری وَاحْلُلْ عُقْدَةً مِنْ لِسانی یفْقَهُوا قَوْلی وَاجْعَلْ لی وَزیراً مِنْ أَهْلی (سوره طه، آیات ۲۹-۲۵) خدایا! سینه‌ی مرا فراخ کن، کار مرا آسان کن، گره از زبان من بگشا تا حرف مرا بفهمند و برای من وزیری قرار بده، برادرم هارون را وزیر قرار بده. موسی علیه‌السلام اینها را عرض کرد خداوند همه را پذیرفت.

مثل اینکه شما مأموری به جایی، به مأموریتی می‌فرستید، آن مأمور گزارش می‌دهد که من برای انجام کار به این چیزها نیاز دارم. آن آمر، کارفرما آنها را در اختیارش می‌گذارد. خداوند هم ندای بنده‌ی خودش، بنده‌ی مقرّب خودش را شنید، هر چه خواست به او داد. امّا پیغمبر ما هیچی نگفت ظاهراً بعد از این آیه معلوم می‌شود که می‌فرماید: أَلَمْ نَشْرَحْ لَكَ صَدْرَكَ وَ وَضَعْنا عَنْكَ وِزْرَكَ الَّذی أَنْقَضَ ظَهْرَكَ (سوره شرح، آیات ۳-۱) آیا ما شرح صدر به تو ندادیم (که معلوم است خداوند قبلاً شرح صدر داده است) و آن باری که بر پشت تو سنگینی می‌کرد، برداشتیم. موسی هم عرض کرد: وَیَسِّرْ لی أَمْری و خداوند هم کارش را آسان کرد.

اینجا خداوند گفت که این کارها را برایت کردیم، همینطور به دنباله‌اش بدون اینکه به زبان چیزی بخواهد، خداوند همه‌ی وسایل را در اختیارش گذاشت البتّه در بین بندگان خداوند درجات پایین‌تر اولیاءالله هم هر چه می‌خواهند، از خداوند می‌خواهند ولی به‌قول *مثنوی* مولوی:

قوم دیگر می‌شناسم ز اولیاء که دهانشان بسته باشد از دعا
خامشند و نعره‌ی تکرارشان می‌رود تا عرش و تخت یارشان

اینها را هم خداوند بدون اینکه به زبان چیزی بیاورند خودش دلشان را می‌داند. نمونه‌ی اینها در پیغمبران، ابراهیم علیه‌السلام است. وقتی ظاهراً دیگر کار تمام بود حکم قطعی نمرود صادر شده بود، او را در فلاخنی گذاشتند، چیزی که در آتش پرتاب کنند. فرشته‌ای آمد، حالا جبرئیل بود یا هرکه فرق نمی‌کند. بندگان خدا همه‌شان بنده‌ی خدا هستند. آمد گفت که من در خدمت شما هستم. می‌خواهی تو را نجات بدهم و از اینجا ببرم؟ چه نیازی داری؟ حضرت فرمود: نیاز؟ سر تا پا نیازم، امّا نه به تو، به ارباب تو. جبرئیل گفت: پس چرا نمی‌گویی؟ گفت: چه بگویم؟ نیازم به کسی است که من را از خودم بهتر می‌بینند. همه چیز را می‌بینند، هر چه مصلحتش باشد خواهد کرد. البتّه این مقامی است که ما هنوز زود است در موردش فکر کنیم، چه برسد به اینکه اینطوری باشیم ولی بدانیم چنین مقامی هست.

می‌فرمایند وقتی که می‌خواهید دعا کنید، هر دعایی دارید، هر خواسته‌ای دارید، فکر کنید، همان آداب دعا را رعایت کنید. آداب دعا نه اینکه خداوند مثل بشر می‌گوید چرا بی ادب آمدی؟

خداوند همه چیز را می‌داند ولی تو آداب دعا را رعایت کن. برای خودت رعایت کن یعنی چون باید با خلوص نیّت باشی، آداب دعا این است که در آنوقت از همه چیز چشم بپوشی. چون باید تمام حواسّت متوجّه آن خواسته باشد. باید با حواس جمع باشی. دیگر فکر این‌طرف، آن‌طرف را نکنی و مشغول کار نباشی؛ یک دعای الکی بکنی، آن دعا نیست. بعد از اینکه آداب را رعایت کردی، نگاه کن از چه کسی داری چیزی می‌خواهی؟ از کسی می‌خواهی که درون تو را از خودت بهتر می‌شناسد. به‌قول دنیای امروز که می‌گویند: خودآگاه و ناخودآگاه و بعضی جلوتر رفته‌اند و گفته‌اند: خودآگاه، ناخودآگاه، نیمه‌آگاه. حالا به‌هرجهت، این بحث روانشناسی را نمی‌خواهیم اینجا بگوییم. یک چیزهایی در عمق ضمیرت هست که خودت خبر نداری ولی خداوند بر آنها مسلّط است.

بعد ببین چطوری می‌خواهی؟ چطوری می‌خواهی یعنی با چه عبارتی؟ نه با زبان با چه دلی؟ بعضی‌ها می‌گویند ما هر چه می‌خواهیم، هر چه دعا می‌کنیم قبول نمی‌شود. من پیش مردم خجالت زده می‌شوم. مگر خداوند تعهّد کرده هر چه تو بخواهی به تو بدهد؟ خداوند خالق ماست، ما بنده‌ی او هستیم. نه العیاذبالله خدا بنده‌ی ما، که ما هر چه بخواهیم خدا مجبور باشد بدهد. نخیر! این توقّع که هر چه بخواهیم خداوند می‌دهد، نه، اینطور نیست.

عظمت خداوند و بزرگی او را بفهم و در نظر بیاور یعنی وقتی بزرگی و عظمت او را در نظر بیاوری، کوچکی خودت را در نظر می‌آوری و هر چه از پایین‌تر از کوچکی فریاد بزنی (فریاد دل) چیزی بخواهی، امید اجابتش بهتر و بیشتر است. بعد هم ببین که چه می‌خواهی؟ آن چیزی که می‌خواهی حق است یا باطل است، چیست؟

کسی دعا می‌کند آنچه که نفرین می‌گویند، برای دیگران بد می‌خواهد، اگر هم خداوند قبول کند، بدش به خود این شخص برمی‌گردد، در تاریخ می‌نویسند، در *ناسخ‌التواریخ* هست که در زمان فتحعلی‌شاه که با روس‌ها جنگ می‌کردند، آنها یک سرداری داشتند، اینها می‌نویسند «اشپختور» که قاعدتاً همان «انسپکتور» باشد. اشپختور خیلی از مسلمین را کشته بود و خیلی فتح می‌کرد. به فتحعلی‌شاه گفتند که به شیخ محمّد اخباری که مرد زاهد و گوشه‌گیری است، بگو دعایی بکند که این از بین برود، خیلی مسلمین را می‌کشد. مثل اینکه اهل نیشابور هم بوده است. فتحعلی‌شاه فرستاد، او آمد و این حرف را گفت.

آن شخص گفت: نه من نمی‌کنم، هر چه اصرار کرد، جلسات متعدّدی اصرار کرد، بالاخره گزارشات جبهه را گفتند که این مسلمین را خیلی می‌کشد، تو یک نفر که از خدا بخواهی و دعا کنی این کشته بشود، مسلمین را نجات می‌دهی. این را که گفتند، شُل شد و قبول کرد. گفت ولی خود من هم سر این قضیه خواهم رفت، باید بروم.

همین است که گفتم به خود شخص برمی‌گردد، همین کار را کرد، حالا مفصّل است، بقیّه‌اش زیاد مهم نیست. بعد از چهل روز، آن شخص کشته شد، او را کشتند ولی خود این شیخ محمّد اخباری به عتبات رفت، اصلاً از آنجا، از فتحعلی‌شاه، فرار کرد به عتبات رفت و در فتنه‌ی وهابی‌ها کشته شد.

این است که انسان باید بداند چه می‌خواهد؟ خداوند می‌فرماید که: وَيَدْعُ الْإِنْسانُ بِالشَّرِّ دُعاءَهُ بِالْخَيْرِ وَكانَ الْإِنْسانُ عَجُولاً (سوره اسراء، آیه ۱۱) می‌فرماید که انسان یک چیز شرّی را می‌خواهد با همان

سماجتی که یک خیری را می‌خواهد و نمی‌داند که این شرّش است. وَعَسى أَنْ تَكرَهُوا شَيئاً وَهُوَ خَيرٌ لَكم (سوره بقره، آیه ۲۱۶) انسان عجول است و عجله هم دارد که این کار را بکند، نمی‌داند که این کار به ضررش است ولی خداوند از راه لطف و رحمتی که دارد آن را برآورده نمی‌کند. این است که در شرح ادعیه هم نوشته‌اند که هر دعایی که شرایط داشت و به اجابت نرسید، آن است که مصلحت آن شخص در آن نبوده است. خداوند از راه لطفی که دارد، نفهمی او را جبران می‌کند یعنی آن خواسته را عملی نمی‌کند.

بسیار دیده شده که هرکدام‌مان در زندگی خودمان نگاه کنیم، یک اموری را دیده‌ایم که ما بد می‌دانستیم، خوب در آمده است. یک اموری که مصرّانه به دنبالش بودیم و از خدا می‌خواستیم انجام بشود، انجام نشده، ناراحت شدیم، بعداً معلوم شده که همین کار، خیرش است. بنابراین هر چه از خداوند صادر می‌شود خیر است.

در آن آیه‌ی: قُلِ اللَّهُمَّ مالِكَ الْمُلْكِ تُؤْتِي الْمُلْكَ مَنْ تَشاءُ وَتَنْزِعُ الْمُلْكَ مِمَّنْ تَشاءُ وَتُعِزُّ مَنْ تَشاءُ وَتُذِلُّ مَنْ تَشاءُ بِيَدِكَ الْخَيرُ إِنَّكَ عَلى كلِّ شَيءٍ قَدير (سوره آل‌عمران، آیه ۲۶) می‌فرماید: بِيَدِكَ الْخَيرُ، خیر به‌دست توست. إِنَّكَ عَلى كلِّ شَيءٍ قَدير، به هر چیز توانایی. پس آنچه واقع می‌شود خیر است، ما ممکن است خیرش را نفهمیم.

این است که در واقع ضمن هر دعا، از خدا بخواهیم که خدایا این دعای ما اگر خیر است که اجابت کن و به‌هرجهت چه اجابت فرمودی، چه نفرمودی، به مشیّت تو، اراده‌ی تو، تسلیم هستم و می‌دانیم که مسلّماً خیر همان است. خدایا، یک کاری کن که ما از آن اوّل بفهمیم خیر است. چون اوّل نمی‌فهمیم که این طریق خیر است، ناراحت می‌شویم، بعد می‌فهمیم. خدایا، توفیق بده که ما از همان اوّل بفهمیم آنچه که واقع شده خیر است، تا آرامشی پیدا کنیم. ان‌شاءالله. (برگرفته از شرح فرمایشات حضرت صادق علیه‌السلام، تفسیر *مصباح‌الشریعة و مفتاح‌الحقیقة*، شب‌جمعه ۱۳۸۰/۱۱/۱۱)

بیانات حضرت آقای حاج دکتر نورعلی تابنده (مجذوب علیشاه) شامل: جزوات گفتارهای عرفانی/ شرح رساله شریفه پندصالح/ شرح فرمایشات حضرت سجاد علیه‌السلام (شرح رساله حقوق)/ شرح فرمایشات حضرت صادق علیه‌السلام (تفسیر مصباح‌الشریعة و مفتاح‌الحقیقة)/ جزوات موضوعی (درباره‌ی استخاره، خانواده، حقوق مالی و عشریه، دعا، خواب و رویا، بیماری و شفا، روح، شیطان، آداب حضور در مجلس فقری، امر به‌معروف و نهی‌ازمنکر، مصافحه، عشق، حجاب، اتحاد و همدلی و خطبه سلسلة‌الاولیاء)/ جزوات رفع شبهات با گزیده‌هایی از بیانات/ جزوات پرسش و پاسخ با گزیده‌هایی از بیانات/ مکاتیب عرفانی (مجموعه‌ی پاسخ به نامه‌ها)/ مجموعه دستورالعمل‌ها و بیانیه‌ها/ شرح وتفسیر برخی از آیات قرآن کریم/ گفت‌وگوهای عرفانی (مجموعه‌ی مصاحبه‌ها) منتشر شده است.

جهت سفارش و دریافت جزوات از طریق شماره تلفن ۰۹۱۲ ۵۸۳ ۸۲۴۲ و یا سایت WWW.JOZVEH121.COM اقدام فرمایید. همچنین برای دریافت گزیده‌هایی از بیانات می‌توانید به کانال jozveh121@ در برنامه‌ی تلگرام بپیوندید.